



رضا بابایی

تفسیر قرآن به روش‌ها و گرایش‌های متعددی صورت گرفته است؛ اما مشهورترین شیوه‌های تفسیری عبارت‌اند از: مأثور و اجتهادی. پس از توضیح درباره هر یک از این دو روش تفسیری، به تفسیر ابوالفتوح رازی (ح ۴۸۰ - پس از ۵۲۲ هـ. ق) از منظر روش‌ها می‌نگریم تا دریابیم که این اثر عظیم متعلق به کدام یک از مدارس تفسیری و شیوه‌های فهم قرآن است.

۱. تفسیر نقلی یا مأثور

تفسیر قرآن با تبیین‌های نبوی آغاز شد و تا چند قرن کمابیش بدان بسنده کردند. در سه سده نخست، روشی در تفسیر قرآن شکل گرفت و گسترش یافت که به تفسیر نقلی یا مأثور نامبردار است. از اوایل قرن چهارم این شیوه اندک‌اندک جای خود را به روش دیگری داد که تا کنون نیز رواج و غلبه دارد.

بررسی زمینه‌های تاریخی و ذهنی این جا به جایی بسیار مهم است؛ تا از این رهگذر به شناخت موزون‌تر و استوارتری از شیوه اجتهادی دست یابیم.

تفسیر اثری یا نقلی، نخستین شیوه تفسیری است که پس از عصر رسالت، فعالیت‌های تفسیری قرآن را مدیریت کرد و تا جایگزینی تفسیر اجتهادی که آمیزه‌ای از عقل و نقل است، به حیات خود ادامه داد. این مکتب تفسیری، هیچ‌گونه اجتهادی را در فهم و تفسیر آیات بر نمی‌تابد و جز روایات تفسیری، منبع دیگری را شایسته اعتنا و سزاوار اعتماد نمی‌داند. در تعریف این شیوه تفسیری کهن که به دست تابعین، تبدیل به دستگاه نسبتاً منظم و ساختارمندی شد، گفته‌اند:

تفسیر مآثور، گونه‌ای از تفسیر قرآن است که مبتنی بر احادیث (آثار) منقول از پیامبر و مطالب صحابه - و بنا بر قولی تابعین - است و نیز روش تفسیری در میان امامیه که مبتنی بر احادیث تفسیری پیامبر اکرم و اهل بیت (ع) است. تعریف دقیق تفسیر مآثور با معنای واژه «اثر» مرتبط است، هر چند عالمان و محدثان در تعریف آن اتفاق نظر ندارند. برخی تاریخ نگاران تفسیر، تفسیر آیات قرآن را با آیات دیگر، قسمتی از تفسیر مآثور دانسته‌اند؛^۱ اما ظاهراً با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی «اثر»^۲ این گونه تفسیر، قسمتی از تفسیر اثری یا مآثور به شمار نمی‌آید.^۳

در باب تفسیر نقلی/اثری، نخستین سخن و بحث این است که روایات تفسیری، تا چه اندازه قابل اعتمادند و برخوردار از حجیت. در میان روایات و اخباری که به تفسیر قرآن پرداخته‌اند، حدیث متواتر بسیار کم شمار است؛ در حجیت خبر واحد نیز چند و چون بسیار کرده‌اند. ماجرای وضع و جعل نیز مزید بر علت شده و تفسیر مآثور را با مشکل دیگری رو به رو کرده است. مشهور است که شیخ مفید و سید مرتضی، حجیت خبر واحد را نپذیرفته‌اند و مرحوم علامه طباطبایی و صاحب مجمع البیان نیز تفسیر قرآن را براساس خبر واحد در شأن قرآن ندانسته‌اند. از میان اخباری که در تفسیر قرآن وارد شده‌اند تنها به احادیثی می‌توان نظر داشت که یا متواترند و یا اگر خبر واحد به شمارند، باید محفوف به قرائن باشند که این قید نیز از شمار اندک آنها می‌کاهد.^۴

سخن دیگری که در این باب می‌توان گفت، این است که تفسیر مآثور در عصر رسالت و عصمت، حکم و جایگاهی داشت که اکنون فاقد آن است؛ زیرا بسیار فرق است بین کسانی که تفسیر آیه‌ای را در قرآن از زبان پیامبر (ص) یا امامان (ع) می‌شنیدند و ما که نه مخاطبان بلاواسطه آنانیم و نه به صدور آن سخنان از زبان ایشان قطع داریم. بدین رو هر چه از عصر رسالت و عهد عصمت دورتر می‌شویم، کم‌تر می‌توانیم قرآن را به تفسیر روایی محدود کنیم. آنچه در ذیل می‌آید، پاره‌ای از آفات و آسیب‌های تفسیر روایی محض است. توضیح و تفصیل آنها در کتب مربوط آمده است.

۱. ضعف سند

اکثر روایات تفسیری، مسند صحیح ندارند. بخش عمده‌ای از تفاسیری که بر پایه روایت تألیف شده است، متعلق به اهل سنت است که شیعه را اعتماد چندانی به آنها نیست؛ بخشی نیز مرسل به شمار می‌آیند. تفسیر عیاشی از شیعه و تفسیر الدر المنثور از اهل سنت، حاوی

روایاتی هستند که در علم حدیث آنها را «مرسل» می خوانند.^۵

۲. وضع و جعل

اگر به انگیزه‌هایی که برای جعل و وضع حدیث وجود داشته است، توجه کنیم، خواهیم دید که ماجرای وضع و جعل، بسیار پر قدرت و شتابان بوده است. خطر ویرانگر و شگفت انگیز اسرائیلیات را نیز نباید از یاد برد.^۶

۳. نقص و نقض

بستگی به اخبار و روایات تفسیری، مفسر را گاه با تناقض و گاه با کمبود منابع رو به رو می کند. آیات و سور بسیاری در قرآن وجود دارند که در ذیل آنها، هیچ روایتی یا خبری وارد نشده است. نیز بخش عظیمی از روایات تفسیری، درباره ثواب قرائت و یا توضیحات حاشیه‌ای است که در نهایت کمک چندانی به فهم محتوا و درک پیام آیه نمی کند. مثلاً مؤلف بزرگوار نور الثقلین مجموعه احادیثی را که در ارتباط با سوره بقره - بزرگ‌ترین سوره قرآنی - ذکر می کند، عبارت است از: سه حدیث درباره فضیلت سوره؛ شش حدیث درباره آیه نخست؛ سه حدیث درباره آیه دوم و سوم. و دو حدیث در ذیل آیه ششم!

علاوه بر نقص، قناعت به مآثورات، مفسر را دچار تناقض هم می کند؛ چنان که می توان نمونه‌های بسیاری را در قصص انبیا نشان داد که با عصمت آنان نمی سازد. اعتماد به این گونه روایات و اخبار، مفسر را گاه تا مرز نقل «افسانه غرانیق» پیش می برد؛ چنان که طبری را به چنین تناقض‌هایی گرفتار کرده است.

در مجموع می توان به این نتیجه رسید که مآثورات و منقولات، تنها یکی از پایه‌های تفسیر صحیح و مقبول قرآن اند. نقل و خبر، نه خود مدّعی است و نه در توان آن است که سایه بر همه قرآن اندازد و همه آیات را تفسیری مکفی به دست دهد.^۷

۲. تفسیر اجتهادی

هنوز یک قرن از نزول قرآن نگذشته بود که جامعه دینی آن روز دریافت میان تفسیرها و مفسران اختلاف‌های ریز و درشتی وجود دارد که برخی از آن تفاوت‌ها و اختلاف‌ها به سطح معلومات یا مقدار آشنایی آنان با اخبار برنمی گردد؛ بلکه بخش مهمی از این چندگانگی‌ها و چندگونگی‌ها در فهم و تفسیر قرآن، بازگشت به شیوه مفسر دارد. در میان شیوه‌های فهم قرآن و تفسیر آیات، دو روش شهرت و مقبولیت عام‌تری یافت: مآثور و اجتهادی. درباره روش

نخست پیشتر سخن گفتیم: اکنون نکاتی را درباره شیوه اجتهادی/ عقلی یادآور می شویم. مفسرانی که به عقل اجازه دخالت در تفسیر داده اند، عموماً چهار نقش عمده برای آن در نظر گرفته اند:

۱. نقش سلبی: یعنی گاه عقل تنها می تواند بگوید کدام معنا مراد نیست؛ اما اینکه مراد آیه چیست، از منبع دیگری باید جست و جو کرد. مثلاً عقل ما می تواند دریابد که مراد از «نظر» در آیه الی ربها ناظره (قیامة، ۲۳/۷۵) نظر حسی نیست که مربوط به چشم جسمانی و مادی می شود؛ «زیرا برهان های قطعی بر ناممکن بودن آن دلالت دارند».^۸

۲. نقش ایجابی: مانند جایی که ظهور آیه ای، عقل پسند است و بر آن خدشه عقلی نمی توان وارد کرد. مثال روشن آن، آیه لم یلد و لم یولد است.

۳. نقش تفسیری یا توضیحی: این نقش عقل، مصداق روشن و بارز «تدبیر در قرآن» است. مشهورترین مثال برای این نقش عقل، تفسیر عقلانی آیه ۲۲ سوره انبیاء است: لو کان فیهما آلهة الا الله لفسدتا. عقل تفسیری و تفسیر عقلی به نیکی باز می گوید که چرا چندین خدا، به فساد در آسمان ها و زمین می انجامد.^۹

۴. کشف و بیان ملازمات: عقل در این نقش راهگشای خود، پیامدها و لوازم مفهومی را بیان می کند؛ یعنی از درون آیه ای، به چندین پیامد و لازمه و حلقه دیگر می رسد، مثلاً مفسر را قانع می کند که اگر مفاد آیات خلقت را بپذیرد، نیز باید مقام آدمی را برتر از فرشتگان بداند و...^{۱۰}

بدین ترتیب شاید بتوان تعریف زرقانی را یکی از جامع ترین تعریف های تفسیر اجتهادی دانست:

هر گونه عملیات عقلانی و کار بستِ قوه فهم و درک و درایت که آیات قرآن را مفهوم تر و مقاصد آن را روشن تر کند، تفسیر عقلی یا اجتهادی است.^{۱۱}

از مقدمات، پیش فرض ها، سیره مفسران و تعریف تفسیر اجتهادی، چنین برمی آید که در این روش، مفسر علاوه بر احاطه بر قواعد ادبی، اعراب، بلاغت و علم به معنای حقیقی و مجازی کلمات و عبارات، باید به چندین مؤلفه دیگر نیز توجه کند که فهرست آشفته آنها بدین قرار است:

۱. اسباب نزول؛

۲. تناسب آیات و سور؛

۳. سیاق آیات و فضای نزول آنها؛
 ۴. جری و تطبیق؛
 ۵. توسعه مفهومی؛
 ۶. تعیین مصداق‌های متناسب با الفاظ و سیاق و سازگار با قرائن؛
 ۷. علوم جدید و عصری؛
 ۸. خرد ورزی‌های محض و عصری؛
 ۹. فرهنگ زمان نزول؛
 ۱۰. الغای خصوصیت؛
 ۱۱. قرائن ناپیوسته لفظی و غیر لفظی؛
 ۱۲. حدیث شناسی (روایت و درایت)؛
 ۱۳. تحلیل قضایا و بررسی احتمالات معنایی؛
 ۱۴. تفسیر تقارنی (نظر داشت متون و کتب مقدس دیگر ادیان آسمانی)؛
 ۱۵. تحلیل گری و تبیین دقیق بر اساس عقل اجتهادی.
- تفسیر اجتهادی مؤلفه‌هایی نیز دارد که به اختصار عبارت‌اند از:
۱. توسعه مفهومی و الغای خصوصیت؛
 ۲. تطبیق مصداقی؛
 ۳. تحلیل گری و مفهوم شکافی.

آغازگران تفسیر اجتهادی

نخستین آموزگاران عقل ورزی در فهم متن قرآن، پیامبر (ص) و جانشینان آن مقام ارجدار است. آنان با علم به نیاز همیشگی مسلمانان به فهم درست و روزآمد قرآن، راه را بر تفسیر اجتهادی قرآن گشودند تا زندگی بر مبنای وحی را محدود به دوران خود نکرده باشند. اما تا چند سده پس از ایشان، کسی را یارای پیمودن این راه نبود و گویا مسلمانان تا مدت‌های مدید، اجتهاد را ناقض و معارض تفسیر مأثور می‌دانستند و جز مأثور را مرضی معصوم (ع) نمی‌پنداشتند! تا آنکه به تدریج و با آشکار شدن ضرورت فهم روزآمد قرآن، نظرها مساعدتر گشت و هر روز شمار کسانی که جسارت و توانایی اجتهاد در تفسیر را پیدا می‌کردند، بیشتر شد.

در فهرست زیر، شماری از نخستین نام‌آوران عرصه تفسیر که راه را بر اجتهاد تفسیری و تفسیر

- اجتهادی گشودند، به ترتیب تاریخ وفات ایشان ذکر می گردد. گفتنی است که سیر افزایش شمار تفسیرهای اجتهادی کاملاً صعودی بوده و اکنون شیوه غالب و بی رقیب تفسیر قرآن به شمار است:
۱. محمد بن جریر طبری (متوفای ۳۱۰ هجری). اندک تغییرات او در شیوه تفسیر اثری، اولین نمونه های تفسیر اجتهادی در میان مفسران رسمی اهل سنت است.
 ۲. ابو مسلم اصفهانی (متوفای ۳۲۲ هجری) نویسنده جامع التأویل.
 ۳. تفسیر علی بن موسی رمانی (متوفای ۳۸۴ هجری).
 ۴. نوشته ها و بحث های مفید شیخ مفید در آثار کلامی خود که سخت گرایش تفسیری داشتند.
 ۵. سید رضی (متوفای ۴۰۶ هجری) با تألیف کتاب های حقایق التنزیل و دقایق التأویل و المجازات القرآنیة.
 ۶. سید مرتضی، علم الهدی (متوفای ۴۳۶ هجری) نویسنده المحکم و المتشابه و الصرفة فی اعجاز القرآن. وی در دیگر آثار فقهی و کلامی خود نیز این شیوه تفسیری را ملتزم و متعهد بوده است.
 ۷. شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ هجری) در التبیان و همه آثار کلامی خود. تبیان را باید نیای همه تفاسیر اجتهادی شیعی دانست که سرشار از نقد و نظرهای عالمانه و نظروورزی های مجتهدانه است. او خود می گوید:
- هرگز روا نیست که در تفسیر آیات به اخبار بسنده کرد یا به تقلید از دیگران سخن گفت. باید غیر از اجماع مفسران به ادله صحیح شرعی و عقلی نیز توجه داشت.^{۱۲}
۸. ابن ادریس (متوفای ۵۹۸ هجری) وی تبیان را تلخیص کرد و نام مختصر التبیان را بر آن نهاد.
 ۹. فضل بن حسن طوسی (متوفای ۵۴۸ هجری)، مؤلف مهم ترین تفسیر شیعی به نام مجمع البیان.^{۱۳}
 ۱۰. ابوالفتوح رازی (متوفای پس از ۵۵۲ هجری) صاحب روض الجنان و روح الجنان.

اجتهادات تفسیری در روض الجنان

گرچه نمی توان تفسیر ابوالفتوح رازی را از نمونه های برتر و آشکار تفسیر اجتهادی نامید، اما شیوه اجتهادی مفسر در آن آشکارا هویدا است. پیشه خطابه و معاشرت های هدایت گرانه

با مردم شهر، از این دانشمند بزرگ قرن ششم، عالمی هدف‌مند و مردم‌گرا ساخته بود. ابوالفتوح بنا بر آنچه همه تراجم نگاران نوشته‌اند و بر اساس آنچه خود در شرح شهاب الاخبار می‌گوید، به پیشه و عظم اشتغال داشته است و تفسیر روض الجنان را نیز به درخواست مردم و دوستان فرهیخته‌اش می‌نویسد.^{۱۵} انتخاب زبان فارسی برای نگارش چنین اثری، نشانه‌ای دیگر از روحیه مردمی و وسعت نظر اوست. تا آنجا که می‌توان نخستین گام اجتهادی او را در تفسیر روض الجنان، زبان آن دانست. انتخاب زبان فارسی برای تفسیر قرآن، از بنیه اجتهادی و قوت استنباط او است. آنچه در زیر خواهد آمد، نمونه‌ها و نشانه‌هایی دیگر از مشرب اجتهادی ابوالفتوح در کتاب روض الجنان است. این نمونه‌ها نیاز به دسته‌بندی و هماهنگی دارند. امید است در فرصت و مجالی دیگر بتوانم ساختار و بنیان‌های اجتهادی تفسیر ابوالفتوح را در قالب نوشتاری نظام‌مند و اسلوب‌گرا نشان دهم.

۱. ترجیحات

یکی از علایم تفاسیر اجتهادی، داوری میان اقوال و اخبار است. چنان‌که مشهور است نخستین مفسری که به ترجیح و تعادل اخبار دست‌یازید، طبری صاحب تفسیر جامع البیان است؛ تا آنجا که برخی وجه امتیاز تفسیر طبری را در همین نکته دانسته‌اند.^{۱۷} نیز می‌توان نخستین پرتوهای تفسیر اجتهادی را در همین پیش و پس کردن‌ها دانست که محمد بن جریر طبری آغازگر پر آوازه آن است. سیوطی، برتری طبری را بر سایر مفسران بزرگ، در نقد و بررسی‌های روایی او می‌بیند و اینکه «اقوال را بررسی و توجیه نموده و بر یکدیگر ترجیح می‌دهد و از اعراب و نتیجه‌گیری از آنها نیز بحث می‌کند، و از این جهت بر دیگر مفسران برتری دارد.»^{۱۸} شاید بتوان نخستین عباراتی که تفسیر اجتهادی با آنها آغاز شده، چنین جملاتی دانست که همگی در تفسیر طبری آمده است و مشابه آنها در تفسیر ابوالفتوح رازی:

- و الصواب من القول فی ذلک عندنا...

- و اول ما ذکرنا من الاقوال...

- و الذی هو اولی عندی بتأویل الآیه...

- و الحق فی ذلک عندی

- و هذا القول اولی القولین فی ذلک بالصواب...

- و القول فی ذلک عندی...^{۱۹}

طلیعه تفسیر اجتهادی در همین ردّ و قبول ها است که فراتر از نقل محض یا ذکر اخبار متعدد در ذیل آیات است .

در تفسیر ابوالفتوح نیز کلمه «اولی تر» بسیار به چشم می آید . ابوالفتوح در سرتاسر تفسیر خود دست به انتخاب می زند و همواره قولی را بر قولی یا حدیثی را بر حدیثی دیگر مقدم می کند . بی گمان در تفاسیر مأثور ، بسیار اندک به گزینش گری می پردازند ؛ مگر از جهت سند که داخل علم حدیث می شود نه فن تفسیر . نمونه های زیر فقط از جلد نخست روض الجنان انتخاب شده است .

در تفسیر شریفه «رب العالمین» پس از ذکر چندین خبر و قول می نویسد : «اولی تر آن باشد که [عالمین را] حمل کنند بر عموم که فایده را جامع تر بود .»^{۲۰} همین قضاوت را درباره معنای «نفقه» دارد . ابوالفتوح نخست چندین نظر و خبر را در معنای آن می آورد ؛ آنگاه عام ترین معنا را برای نفقه بر دیگر معانی ترجیح می دهد : «... اولی تر حمل آیت^{۲۱} بود بر عموم تا همه معانی داخل بود تحت آن .»^{۲۲} در تفسیر آیه «أما رءون الناس بالبرّ و تنسون انفسکم» سخن را به معانی نسیان می کشاند . حمل نسیان را بر «ضد ذکر» نمی پذیرد ؛ زیرا آن را خالی از توسع و مجاز می داند . استدلال ابوالفتوح این است که اگر نسیان را ضد ذکر بدانیم ، در این صورت نسیان ، تکلیف را از انسان ساقط می کند و دیگر جایی برای ملامت و سرزنش نمی ماند ؛ حال آن که خداوند در مقام سرزنش کسانی است که دیگران را به نیکی دعوت می کنند ، اما خود را از یاد می برند . بدین رو ترجیح می دهد که نسیان را بر «ترک» حمل کند . سپس آیاتی را می شمارد که در آنها کلمه نسیان به معنای ترک به کار رفته است .^{۲۳} این گونه اجتهادات که به ترجیح روایی و گاه کلامی یک نظریه یا روایت می انجامد ، در تفسیر ابوالفتوح بسیار است و همگی حکایت از بنیه نیرومند اجتهادی او می کند . برای نمونه فقط در جلد نخست به شواهد زیر می توان مراجعه کرد : ص ۷۳ ، ۱۰۷ ، ۱۶۹ ، ۱۷۵ ، ۲۰۲ ، ۲۰۴ ، ۲۰۶ ، ۲۵۱ ، ۲۵۲ ، ۲۵۵ ، ۲۵۶ ، ۳۰۴ ، ۳۱۹ و ۳۲۱ .

در مثال های بالا فقط از کلمه «اولی تر» استفاده شده است . مثال های دیگری نیز می توان ذکر کرد که از اصطلاح و الفاظ دیگری سود جسته ، اما همین قصد و نظر را داشته است ؛ مانند نیکوتر آن است که... ، قول او باطل است... و درست تر آن است که...^{۲۴} .

مرحوم حسین کریمان در ذکر تفاوت های روض الجنان با مجمع البیان به این نکته نیز اشاره می کند . به گفته وی :

شیخ طبرسی در تفسیر آیات در بسیاری از موارد دو یا چند قول را در موضوعی واحد

نقل می کند، لکن جز به ندرت آنها را با یکدیگر برنمی سنجد و صحیح را از سقیم باز نمی شناساند، و وجه رجحان را نسبت به دیگری بیان نمی کند. لکن ابوالفتوح در این قبیل موارد به نقد و جرح می پردازد و درست را از نادرست باز می شناساند و وجه برتری آن را ذکر می کند. این امر خود حایز اهمیت کلی است.^{۲۵}

سپس مثال روشنی را نیز می افزاید، و آن آیه ۱۷ سوره هود است: «فمن كان على بينة من ربه ويتلوه شاهد منه.» «ابوالفتوح قول اینکه شاهد حضرت علی (ع) است صحیح، و دیگر اقوال را مردود دانسته؛ لکن طبرسی همه اقوال را نقل نموده و در درستی و نادرستی آنها سختی نگفته است.»^{۲۶}

۲. تشیع گرایی

معروف ترین و معتبرترین تفسیر شیعی، مجمع البیان طبرسی است؛ با وجود این، تفسیر روض الجنان از مجمع البیان نیز شیعی تر است. به گفته مرحوم حسین کریمان که در مقاله مفصلی مجمع البیان را با تفسیر ابوالفتوح مقایسه کرده است، «جانب تشیع را در تفسیر ابوالفتوح رجحانی است. مواردی که در مجمع البیان بیانی موافق مذهب تشیع به چشم می خورد، در ابوالفتوح مبسوط تر و مشروح تر از آن مشهود و روایات و اخبار بیشتری نقل گردیده است و در بسیاری از موارد در تفسیر ابوالفتوح در باب ائمه (ع) و تشیع مطالبی به نظر می رسد که تفسیر مجمع البیان فاقد آن است؛ همانند...»^{۲۷}

برخی برای شدت تشیع گرایی در روض الجنان دلایل تاریخی ذکر کرده اند؛ اما به هر روی در گرایش ابوالفتوح به مذهب خاصی، به آسانی می توان آثار اجتهاد و استنباط تفسیری را دید. شادروان احمد احمدی بیرجندی، بخش هایی از روض الجنان را که آئینه فضایل علی (ع) و اهل بیت پیامبر (ص) است، در مجموعه ای به نام گزینۀ روض الجنان و روح الجنان جمع آوری کرده است.^{۲۸} عناوین این بخش عبارتند از:

- نعمت ولایت امیرالمؤمنین (ع)، ج ۲، ص ۲۲۴.
- در فضیلت علی (ع)، ج ۲، ص ۲۰۶.
- شب غار [= لیلۀ المبيت]، ج ۳، ص ۱۵۸.
- طعام بهشتی، ج ۴، ص ۴۳.
- کریم کیست، ج ۴، ص ۴۹.
- مقام علی (ع) در جنگ اُحُد، ج ۵، ص ۴۱.

- پرسش هایی از وصی رسول الله (ص)، آغاز جلد پنجم.
- اولوا الامر کیست؟ ج ۵، ص ۴۱۲.
- ردّ الشمس (بازگشتن خورشید)، ج ۶، ص ۳۲۸.
- کنیزک حبشی کور و دوستی با علی (ع)، ج ۶، ص ۳۳۲.
- قضاوت علی (ع) و امام حسن (ع)، ج ۶، ص ۳۵۳.
- فضیلت علی (ع)، ج ۶، ص ۳۶۱.
- گشاده شدن خیبر به دست علی (ع)، ج ۷، ص ۷.
- رفتار علی با زن مسلمان، ج ۷، ص ۹.
- برخی اوصاف و مناقب علی (ع)، ج ۷، ص ۱۰.
- شجاعت و امامت علی (ع)، ج ۷، ص ۱۲.
- سجده شکر، ج ۷، ص ۱۷.
- محبت علی (ع)، ج ۸، ص ۲۰۵.
- علی (ع) قرین رسول الله (ص)، ج ۸، ص ۲۸۴.
- دوازده ماه - دوازده امام (ع)، ج ۹، ص ۲۴۰.
- غزوه تبوک، مقام و منزلت علی (ع)، ج ۹، ص ۲۵۶.
- تزویج فاطمه (س)، ج ۱۴، ص ۱۸۸.
- در خلافت علی (ع)، ج ۱۵، ص ۳۵۱.
- قتل علی (ع)، ج ۱۵، ص ۳۸۵.
- نزدیک ترین دوست به رسول الله (ص)، ج ۱۵، ص ۴۱۸.
- معجزه امیرالمؤمنین (ع)، ج ۱۵، ص ۱۱۹.
- مقام ابوطالب، ج ۱۵، ص ۱۵۰.
- حب اهل البیت (ع)، ج ۱۵، ص ۸۴.
- حب آل محمد (ص)، ج ۱۷، ص ۱۲۶.
- رفتار رسول خدا (ص) با فاطمه زهرا (س) و حسنین (ع)، ج ۱۷، ص ۲۶۴.
- فتح قلعه خیبر، ج ۱۷، ص ۳۴۰.
- ولایت امیرالمؤمنین علی (ع)، ج ۱۷، ص ۳۲۷.
- سه چیز علی را بود که کس را نبود، ج ۱۹، ص ۸۵.

- دانش ابوجعفر، امام محمد تقی (ع)، ج ۷، ص ۱۵۱.
شیعه گرایی را از آن رو نشانه تفسیر اجتهادی می دانیم که صبغه کلامی و نظریه پردازی دارد. درایت شیعی در روایات دینی، برخاسته از گرایش کلامی و شیوه اجتهادی است. بدین رو تسنن گرایی نیز محصول شیوه تفسیر اجتهادی می تواند بود.

۳. نقد و نظرهای تفسیری

روض الجنان، سرشار از نظریه پردازی های تفسیری است که اکثر آنها از مقبولات خاصه و امامیه است. این نقد و نظرها فارغ از خطا یا صواب بودن، نشانه دأب تفسیری ابوالفتوح و گرایش عالمانه او به اجتهاد است. با نقل پاره ای از نظرو رزی های تفسیری ابوالفتوح در تفسیر قیم روض الجنان، نوشتار حاضر را به پایان می بریم.

۳-۱. در تفسیر آیه نخست سوره عبس (عَبَسَ وَ تَوَلَّى)، پس از نقل اقوال مختلف، ارجاع ضمیر افعال را به پیامبر (ص) قبیح می شمارد و برای توجیه نظر خود به آیاتی از قرآن استشهاد می کند که بر نرم خوئی و مهربانی رسول الله دلالت دارند. ۲۹ در پایان می نویسد: اخبار متواتر است بر آن که عادت رسول الله (ص) با دشمنان و کافران بر خلاف این بود؛ فکیف با دوستان و مؤمنان و محققان. ۳۰

۳-۲. در تفسیر آیه و انزلنا من السماء ماءً (بقره، ۲۱/۲) به معانی سماء پرداخته و در پایان می نویسد:

کتاب خدای را - جل جلاله - تا بر حقیقت حمل شاید قرآن، بر مجاز حمل نباید کردن. ۳۱

این مبنا، روش تفسیری ابوالفتوح را از مفسران بسیاری جدا می کند. اخذ چنین مبنایی بر اثر اجتهاد تفسیری او است.

۳-۳. از نشانه های روشن و آشکار اجتهاد در تفسیر روض الجنان استنباط های فقهی ابوالفتوح است. وی در تفسیر آیه نساءکم حرث لکم، بعد از ذکر اقوال صحابه، نظر فقهی خود را چنین ابراز می کند:

این اخبار مانند این، همه دلیل آن می کند که ایتان النساء من غیر المأتی روا نباشد و تعلق آن کس که بر خلاف آن گویند به این آیه درست نباشد. ۳۲

۳-۴. تفسیر قرآن بر اساس قرائن خارجی یا شأن نزول از دیگر مؤلفه های تفسیر اجتهادی

است که در روض الجنان بسیار دیده می شود. وی درباره تفسیر آیه ۳۳ سوره آل عمران، می نویسد: «و معنای این آیات نظم نمی پذیرد تا سبب نزول او معلوم نمی شود. ۳۳ یعنی تا سبب نزول معلوم نشود، معنای منسجمی نمی توان از آیات دریافت.

سبب نزول آیات، نزد ابوالفتوح چنان اهمیتی دارد که می تواند نص را از عمومیت ساقط کند. در تفسیر آیه ۱۵۹ سوره بقره، به دلیل شأن نزول آن، معتقد است: «و اگر حمل کنند بر عموم، اولی تر باشد. ۳۴ ولی اگر سبب نزول معتبری در میان باشد، حمل آیه بر عموم، محتاج به دلیل دیگری خواهد بود. می نویسد:

و اگر درست شود که آیت در حق بعضی آمده، منع نکند که حکم متعدی باشد به دیگری، و لیکن به دلیل ۳۵.

در مجموع می توان گفت ابوالفتوح عموم آیه و ظاهر آیه را در نقد سبب نزول به کار گرفته است. به عبارت دیگر وی چندین ملاک برای نقد سبب نزول داشت که مهم ترین آنها عموم، ظاهر و سیاق آیه بود. گاه نیز مبانی عقیدتی را ملاک نقد آیه می شمارد. مثلاً عقیده به عصمت انبیاء را مانع قبول بسیاری از اسباب نزول ها دانسته، از این رو حمل آیه را بر عموم ترجیح می دهد.

۳- ۵. ابوالفتوح رازی نظر خود را درباره پاره ای از مباحث علوم قرآنی به صراحت بیان می کند. درباره نسخ می نویسد:

در قرآن آیات ناسخه و منسوخه است... ۳۶ و نسخ الکتاب بالکتاب روا باشد و هست. چنان که گفتیم، بلاخلاف و نسخ السنة بالکتاب روا باشد بلاخلاف. و نسخ الکتاب بالسنة روا باشد، به شرط آنکه مقطوع علیها باشد... ۳۷ چنان که نسخ قرآن روا باشد بعضی به بعضی، نسخ قرآن به سنت مقطوع علیها روا باشد و فرقی نبود. ۳۸

۱۴۵

ابوالفتوح در مواقع مختلف روض الجنان درباره نسخ سخن گفته است. برخی موضوعاتی که مربوط به نسخ شده و در تفسیر ابوالفتوح آمده است، بدین قرار است:

- معنای لغوی نسخ: ج ۱، ص ۱۷۸.
- معنای اصطلاحی نسخ: ج ۱، ص ۳ و ص ۱۷۸.
- امکان نسخ: ج ۲، ص ۳۴ و ص ۵۰۸.
- حکمت نسخ: ج ۱، ص ۸-۱۷۷.
- نسخ ادیان و احکام: ج ۱، ص ۱۷۹ و ۱۷۷.

- قلمرو نسخ: ج ۲، ص ۵۴۵ و ج ۱، ص ۳.

- فرق نسخ و تخصیص: ج ۲، ص ۳۹۳.

- انواع نسخ: ج ۱، ص ۱۷۹.

۳-۶. درباره آیات متشابه معتقد است باید آنها را تأویل کرد، به عقیده وی هیچ آیه‌ای در قرآن نیست که قابلیت تفسیر یا تأویل نداشته باشد. بنابراین مفهوم همه آیات، آشکار است؛ برخی به تفسیر و برخی به تأویل.^{۳۹}

۳-۷. در چندین جای روض الجنان، شاهد مخالفت مؤلف با عمل به خبر واحد هستیم. به گفته مرحوم علامه شعرانی:

به مذهب مؤلف این تفسیر روض الجنان و بسیاری از علمای خبره، به واحد عمل نمی‌توان کرد، نه در اصول دین و نه در فقه. و جماعتی عمل به آن را در فقه جایز می‌شمارند و در اصول دین جایز نمی‌دانند و حق آن است که نسخ قرآن به خبر واحد جایز نیست؛ هر چند خبر واحد حجت باشد؛ چون ائمه (ع) به ما دستور دادند هر خبر مخالف قرآن دیدیم، آن را رد کنیم.^{۴۰}

سخن پایانی

به حتم و بی‌گمان برای نشان دادن وجهه اجتهادی تفسیر روض الجنان، باید بسی بیش از این کوشید و نشانه‌های عمیق‌تری را آشکار کرد؛ آنچه در این مختصر آمد، گوشه‌های نازک و باریکی از اجتهادات تفسیری ابوالفتوح رازی بود که قاعدتاً در تفسیرهای مأثور نمی‌توان مانند آنها را مشاهده کرد. نقل‌های بسیار و ذکر اخبار فراوان در ذیل هر آیه، این توهّم را پدید می‌آورد که روض الجنان را نیز در شمار تفاسیر اثری قرار دهیم؛ به ویژه آنکه وی هیچ تلاشی برای مخالفت جدی با اقوال نمی‌کند؛ اما چنان که گفته آمد، ترجیحات و اعلان نظرهای علمی در پاره‌ای از موضوعات مهم تفسیری، مانع از آن می‌شود که روض الجنان را تفسیر مأثور بشماریم. مهم آن است که سطح و عمق روش اجتهادی او در تفسیر نمایانده شود. زیرا روض الجنان، اثر مهم و تأثیر گذاری است که هر قدر در وجوه علمی آن کاوش کنیم، بصیرت بیشتری در میراث تفسیری خود یافته‌ایم. به گمان نگارنده، روض الجنان یکی از نخستین تفسیرهای معتبر است که توفیق بسیاری در گسترش مرزهای فهم قرآن در میان مؤمنان، به ویژه شیعیان داشته است. بدین رو جای دارد که وجوه و امتیازهای آن فهرست گردد.

۱. ر. ک: ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱/ ۱۵۴، قاهره، ۱۴۰۹/ ۱۹۸۹.
۲. در معانی اثر، چندین قول وجود دارد؛ اما روشن تر و مقبول تر از همه سخن شهید ثانی است که می گوید: «گاه حدیث به آنچه از معصوم (ع) رسیده اطلاق می شود، و خبر به آنچه از غیر معصوم رسیده و اثر اعم از آن دو است». (ر. ک: شهید ثانی، الدرایه، ص ۱ و نیز ر. ک: مدیر شانه چی، درایة الحدیث/ ۱۲- ۱۳).
۳. ر. ک: دانشنامه جهان اسلام، ۷/ ۹۳۷ (تفسیر مأثور).
۴. ر. ک: علامه طباطبایی، المیزان، ۱۰/ ۳۵۱، چاپ جامعه مدرسین قم.
۵. ر. ک: علی اکبر بابایی، مکاتب تفسیری، ۱/ ۳۱۴.
۶. برای بررسی نقش اسرائیلیات در شکل گیری عقاید کلامی و تفسیری مسلمانان به منابع زیر مراجعه کنید: ر. ک: محمد حسن ذهبی، الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث، دمشق ۱۴۰۵ هـ، آمال محمد عبدالرحمن ربیع، الاسرائیلیات فی التفسیر الطبری، قاهره، ۱۴۲۲ هـ.
۷. درباره وضعیت تاریخی و علمی تفسیر مأثور ر. ک: علامه طباطبایی، قرآن در اسلام/ ۴- ۴۳، چاپ دارالکتب الاسلامیه.
۸. المیزان، ۲۰/ ۱۱۲، ذیل آیه.
۹. نیز ر. ک: بقره، آیه ۳۸- ۳۰.
۱۰. برای آشنایی بیشتر با کارکرد عقل در عملیات تفسیری ر. ک: آیت الله خویی، البیان فی تفسیر القرآن/ ۱۳.
۱۱. محمد عبدالعظیم زرقانی، مناهل العرفان فی تفسیر القرآن، ۱۲/ ۵۵-۶، چاپ دارالکتب العربی (بیروت).
۱۲. ر. ک: التبیان، ۵/ ۱.
۱۳. المفسرون حیاتهم و منهجهم/ ۶۱۰.
۱۴. ر. ک: روض الجنان و روح الجنان، تصحیح یاحقی و ناصح، ۱/ چهل و دو.
۱۵. همان/ ۲.
۱۶. در مقاله ای که به کنگره بزرگداشت ابوالفتح تقدیم کرده ام، درباره جامعه گرای وی به تفصیل سخن گفته ام.
۱۷. جرجی زیدان، تاریخ آداب اللغة العربیه، ۲/ ۲۴۸. نیز ر. ک: یادنامه طبری/ ۲۷۲، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.
۱۸. الاتقان فی علوم القرآن، ۲/ ۹۸- ۵۹۷.
۱۹. یادنامه طبری، مقاله «روش تفسیری طبری» نوشته علیرضا میرزا محمد/ ۲۷۲.
۲۰. روض الجنان، ۱/ ۷۳.
۲۱. آیه دوم سوره بقره.
۲۲. روض الجنان، ۱/ ۱۰۷.
۲۳. همان، ۱/ ۲۵۲. غیر از آن که نظر خود را با استناد به آیه ۱۱۵ سوره طه تقویت می کند، حمل نسیان را بر ترک بلیغ تر نیز می داند.
۲۴. همان/ ۲۰۴.
۲۵. شناختنامه ابوالفتح رازی/ شصت و چهار.
۲۶. همان/ شصت و شش.
۲۷. همان/ پنجاه و دو.
۲۸. چاپ بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول/ ۱۳۸۰.
۲۹. مانند آیات ۱۵۹ از سوره آل عمران و ۴ از سوره قلم.
۳۰. روض الجنان، ۲۰/ ۱۴۷.
۳۱. همان، ۱/ ۱۵۴.
۳۲. همان، ۴/ ۲۱۰.
۳۳. همان.
۳۴. همان، ۱۲/ ۳۹۴.
۳۵. همان.
۳۶. همان، ۲/ ۲۰.
۳۷. همان، ۱/ ۱۷۹.
۳۸. همان، ۲/ ۳۴.
۳۹. ر. ک: همان، ذیل آیه هفتم سوره آل عمران.
۴۰. ر. ک: همان، ۳/ ۴۸۲.